

ارزیابی برنامه ساماندهی عشایر در کانون‌های توسعه

دفتر مطالعات جامع عشایر و دکتر پژمان رضایی^۱

چکیده:

سیاست اسکان عشایر در راستای ساماندهی به زندگی عشایر در دهه‌های اخیر مورد توجه جدی برنامه ریزان و سیاست گذاران جامعه عشایری بوده است. در راستای این سیاست حجم قابل توجهی از برنامه‌ها و اعتبارات در مناطق مختلف عشایری کشور هزینه و ماحصل آن شکل گیری کانون‌های مختلف اسکان عشایر می‌باشد.

با توجه به اهمیت ارزیابی عملکرد دولت در این زمینه، ۶۰ کانون هدایتی و خودجوش کشور در ۲۲ استان کشور انتخاب و بیش از ۱۰۰۰ پرسشنامه در این کانون‌ها تکمیل و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نوع این تحقیق کاربردی، روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و میدانی انجام شده و اطلاعات مورد تحلیل قرار گرفت.

با توجه به چارچوب نظری تحقیق مبنی بر رویکرد جامع به جامعه عشایری، ابعاد اقتصادی، اجتماعی، طبیعی، نهادی و مدیریتی و ... مورد ارزیابی قرار گرفت. بررسی‌ها نشان می‌دهد در زمینه‌های اجتماعی و کالبدی فیزیکی اسکان باعث ارتقاء بیش از ۹۰ درصد شاخص‌ها شده است و سرانه‌های مختلف خدماتی رشد قابل توجهی داشته است. در زمینه اقتصادی، اسکان باعث تغییر معیشت خانوارها از دامداری به زراعت و باغداری شده است و واگذاری اراضی زراعی و باغی توسط دولت نقش قابل توجهی در این زمینه داشته است. در زمینه طبیعی و محیطی هر چند دسترسی به سوخت‌های فسیلی باعث جلوگیری از شکستن درختان و بوته کنی شده است، اما چرای بیش از حد مراتع اطراف کانون‌ها، کاهش سطح آب‌های زیر زمینی و... از تاثیرات منفی اسکان ارزیابی شده است.

البته در این زمینه خشکسالی‌ها تاثیر قابل توجهی داشته است و با توجه به سنتی بودن شیوه‌های آبیاری، محدودیت بالای منابع آب و عدم استفاده بهینه از این منابع از معضلات اساسی کانون‌ها می‌باشد. در ارتباط با وضعیت مدیریتی نیز با فروپاشی نظام مدیریتی گذشته شیوه‌های نوین مدیریت متکی بر مشارکت مردم در قالب شوراهای اسلامی از نتایج قابل توجه در این زمینه می‌باشد.

برای اتخاذ سیاست‌های اجرایی مناسب در برخورد با این جامعه، کلیه نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید ابعاد فوق استخراج و توسط تیم کارشناسی مورد ارزیابی و رتبه بندی قرار گرفت. مجموع امتیازات نشان می‌دهد در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، طبیعی، نهادی مدیریتی و... راهبرد مورد توجه، راهبرد تهاجمی می‌باشد و با توجه به نقاط قوت داخلی کانون‌های توسعه می‌بایست از فرصت‌های پیش رو حداکثر استفاده را به عمل آورد و برای پایداری کانون‌های اسکان عشایر اقدامات لازم را به عمل آورد.

واژگان کلیدی: ساماندهی عشایر، اسکان عشایر، کانون‌های هدایتی، کانون‌های

خودجوش، توسعه پایدار.

مقدمه

با توجه به شرایط خاص زندگی عشایری و متحرک بودن جامعه، بحث اسکان عشایر از زمان پهلوی اول (به دلایل سیاسی) و دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (به دلایل خدمات رسانی و ارتقاء سطح زندگی این جامعه) مطرح گردیده است و به ویژه از سال ۱۳۷۱ این مبحث در قالب کانونهای اسکان هدایتی و خودجوش تبلور پیدا کرده است و از آن زمان تاکنون، کانونهای متعددی در نقاط مختلف کشور شناسایی شده است که برای بسیاری از این کانونها مطالعات اجمالی، نیمه تفصیلی و تفصیلی صورت گرفته و عملیات اجرایی اسکان آنها انجام شده و یا در حال انجام می‌باشد. و بسیاری از این کانونها نیز در حد شناسایی و یا در حد مطالعات اجمالی قرار دارند.

برنامه ریزی در کانونهای اسکان هدایتی به گونه ای است که دولت مستقیماً از شناسایی محل مورد نظر برای کانون تا شناسایی خانوارهای متمایل به اسکان، تجهیز کانونها، ایجاد شرایط اشتغال در کانونها و ... حضور مستقیم و گسترده‌ای دارد. اما در کانونهای خودجوش که توسط خود عشایر مکانیابی شده اند، دولت نقش کمتری دارد و تنها در برخی زمینه‌ها خدمات رسانی می‌کند.

اینکه سیاست اسکان عشایر بهترین گزینه برای ارتقاء سطح زندگی این جامعه است یا نه بحث بسیار دارد، اما اتخاذ این سیاست توسط برنامه ریزان و سیاست گذاران به ویژه از برنامه دوم توسعه بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۷۸-۱۳۷۴) تا کنون، باعث گردیده تا میلیاردها ریال اعتبار در این زمینه هزینه گردد و کانونهای متعددی ایجاد و تجهیز گردند.

بر این اساس از جمله اقدامات ارزنده سازمان امور عشایر کشور ارزیابی اثرات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، طبیعی و ... اسکان در ۶۰ کانون نمونه بوده است. برای دستیابی به این آثار و نتایج حدود ۱۰۰۰ پرسشنامه خانوار، ۶۰ پرسشنامه کانون و ۶۰ پرسشنامه کارشناسی تهیه و تکمیل گردید که نتایج اجمالی آن در این مقاله ارائه شده است.

مبانی نظری

بررسی نظریه‌های مرتبط با اسکان عشایر و اینکه در هر دوره چه تفکری بوده که منجر به شکل‌گیری بحث اسکان شده است یکی از مهمترین گامها در راه شناسایی روند اسکان عشایر و شکل‌گیری کانون‌های عشایری می‌باشد.

در این زمینه دیدگاه‌های نظری مختلفی بر ساماندهی و اسکان عشایر تاثیر گذار بوده است که مهمترین آنها عبارتند از نوسازی، دیدگاه‌های مرتبط با شهرنشینی و مهاجرت، دیدگاه‌های مرتبط با تغییرات اجتماعی، عدالت اجتماعی، توسعه پایدار و ... که مهمترین مشخصه‌های این دیدگاهها و انطباق زمانی آنها با وضعیت جامعه عشایری به شرح جدول ادامه است.

جدول ۱- دیدگاه‌های مرتبط و تاثیر گذار بر اسکان عشایر در ایران

دیدگاه اسکان	متأثر از الگوی توسعه	دلایل اسکان	انطباق زمانی
دیدگاه نوسازی و مدرنیته	نوسازی	- جامعه عشایری مانع شکل‌گیری جامعه مدرن است. - اسکان عشایر برای دستیابی به توسعه و بهره‌مندی از خدمات.	دوره پهلوی اول تا برنامه‌های توسعه اول و دوم بعد از انقلاب اسلامی
شهرنشینی		- شهرنشینی عامل توسعه یافتگی	دهه ۱۳۴۰ به بعد
یکجانشینی	تقریباً تمامی نظریه‌ها	جوامع متحرک از جمله عشایر، امکان کمتری در دسترسی به خدمات مختلف اجتماعی دارند و تداوم این روند منجر به عقب ماندگی و فاصله گرفتن سطح زندگی با جوامع یکجانشین خواهد شد.	از زمان پهلوی اول تا کنون

از دوره پهلوی تا برنامه دوم	برای توسعه و دستیابی به رشد اقتصادی	کلاسیک (تقلیل‌گرا)	تغییرات اجتماعی
برنامه سوم بعد از انقلاب تا کنون	ارتقاء سطح توسعه در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی	معاصر (تلفیق‌گرا)	
دوران پهلوی تا کنون	جاذبه‌های شهری دلیل مهاجرت و اسکان عشایر شد.	نوسازی	مهاجرت
	عقب ماندن جوامع عشایری از جرگه توسعه باعث مهاجرت و یکجانشین شدن است	وابستگی/رکودی	
	هم جاذبه‌های شهری و هم عقب‌ماندگی دلایل مهاجرت و اسکان عشایر است.	سیستمی	
- دهه اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی	اسکان عشایر برای بهره‌مندی از امکانات و خدمات	تأمین نیازهای اساسی	عدالت اجتماعی
- برنامه‌های سوم و چهارم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی	اسکان عشایر برای ارتقا سطح زندگی اجتماعی، اقتصادی و محیطی	توسعه پایدار	توسعه پایدار

همانگونه که جدول فوق نشان می‌دهد از برنامه سوم توسعه بعد از انقلاب دیدگاه توسعه پایدار، دیدگاه مورد توجه در تنظیم برنامه‌های توسعه عشایر و به ویژه ساماندهی شده است.

با توجه به همه جانبه بودن راهبرد توسعه پایدار در برخورد با جامعه عشایری، نظر سنجی از خانوارهای اسکان یافته نیز در ابعاد مختلف توسعه پایدار صورت گرفته است که برخی از مهمترین یافته‌های آن به شرح زیر است:

بررسی و سنجش اثرات و پیامدهای اسکان عشایر

اثرات اجتماعی:

همانگونه که اشاره شد مجموع کانون‌های توسعه نمونه ۶۰ کانون می‌باشد که ۴۵ کانون آن هدایتی و ۱۵ کانون خودجوش می‌باشد. کل جمعیت کانون‌های مورد مطالعه بالغ بر ۳۵۸۷۳ نفر و مجموع خانوارها ۷۱۱۳ خانوار است. از مجموع این افراد ۲۸۰۷۸ نفر در کانون‌های هدایتی (۵۴۶۳ خانوار) و ۷۷۹۵ نفر در کانون‌های خودجوش (۱۶۵۰ خانوار) اسکان یافته‌اند. از نظر طبقات جمعیتی، بیش از ۹۰ درصد کانون‌های توسعه کمتر از ۲۰۰ خانوار بوده‌اند. متوسط جمعیت کانون‌های توسعه نیز بالغ بر ۱۲۰ خانوار می‌باشد.

جدول ۲- طبقات جمعیتی کانون‌های مورد مطالعه

شرح	۲۴۹ تا ۵۰ نفر (خانوار)	۲۵۰ تا ۴۹۹ نفر (۵۰ تا ۹۹ خانوار)	۵۰۰ تا ۹۹۹ نفر (۱۰۰ تا ۱۹۹ خانوار)	۱۰۰۰ تا ۱۹۹۹ نفر (۲۰۰ تا ۳۹۹ خانوار)	۲۰۰۰ نفر و بیشتر (۴۰۰ خانوار و بیشتر)
تعداد کانون	۱۷	۱۵	۲۲	۵	۱
درصد	۲۸,۳۳	۲۵	۳۶,۶۷	۸,۳۳	۱,۶۷

بعد خانوار:

تا قبل از اسکان، بزرگ بودن ابعاد خانوار و گسترده بودن آن امری طبیعی بوده است. اما اتفاقی که بعد از اسکان افتاده است باعث هسته‌ای شدن خانوارها با گذشت زمان از یک سو و کوچک شدن ابعاد خانوار از سوی دیگر شده است.

هسته‌ای شدن خانوارها به دنبال ازدواج فرزندان و جدا شدن از خانواده و ساکن شدن در مسکنی غیر از مسکن والدین و کوچک شدن ابعاد خانوار به دنبال آموزش‌های بیشتر و کنترل بیشتر جمعیت اتفاق افتاده است. بر اساس برداشت‌های صورت گرفته

بعد خانوار عشایر اسکان یافته ۵ نفر می‌باشد. در این زمینه باید خاطر نشان کرد کوچک شدن ابعاد خانوار نه تنها در بین عشایر کشور، بلکه در جامعه روستایی و شهری کشور نیز اتفاق افتاده است آنچنان که در سرشماری سال ۱۳۷۵ بعد خانوار نقاط روستایی کشور ۵,۲۲ نفر بوده که در سال ۱۳۸۵ به ۴,۳۶ نفر رسیده است. بعد خانوار نقاط شهری نیز از ۴,۶۳ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۳,۸۹ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. با توجه به این مبحث، با گذشت زمان و آموزش‌های بیشتر از یک سو و رسوخ گسترده تر زندگی ماشینی ابعاد خانوار نیز کوچکتر شده است.

بررسی وضعیت کانون‌های هدایتی و خودجوش نیز از نظر بعد خانوار نشان دهنده بالاتر بودن بعد خانوار در کانون‌های هدایتی است. (۱,۵ در کانون‌های هدایتی و ۴,۷ در کانون‌های خودجوش)

نسبت سنی و جنسی

بر اساس مطالعات صورت گرفته در ارتباط با کانون‌های توسعه مورد مطالعه، نسبت جنسی برابر با ۱۰۳,۸ بوده است که این نسبت در مقایسه با جوامع کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷ کمتر شده است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۷ عشایر کوچنده کشور نسبت جنسی برابر با ۱۰۵,۵ بوده است.

مقایسه وضعیت کانون‌های توسعه با جامعه روستایی و شهری کشور نشان دهنده بالاتر بودن نسبت جنسی در کانون‌های توسعه نسبت به این مراکز است و در واقع نسبت جنسی در کانون‌های توسعه حالت بینابین عشایر کوچنده و جامعه شهری و روستایی می‌باشد.

بررسی وضعیت کانون‌های هدایتی و خودجوش نشان دهنده بالاتر بودن نسبت جنسی در کانون‌های هدایتی است. بر اساس اطلاعات جمع آوری شده نسبت جنسی در کانون‌های هدایتی بالغ بر ۱۰۵,۹ و در کانون‌های خودجوش بالغ بر ۱۰۲,۸ می‌باشد و این امر نشان دهنده ماندگاری بیشتر مردان در کانون‌های توسعه هدایتی می‌باشد.

از نظر ترکیب سنی ۲۸ درصد جمعیت کانون‌های توسعه ۱۴ ساله و کمتر، ۶۴ درصد بین ۱۵ تا ۶۴ سال و ۸ درصد ۶۵ ساله و بیشتر بوده است. این نسبت‌ها در کانون‌های هدایتی به ترتیب ۲۹ درصد ۱۴ سال و کمتر، ۶۴ درصد ۱۵ تا ۶۴ سال و ۷ درصد ۶۵ ساله و بیشتر و در کانون‌های خودجوش ۲۷ درصد ۱۴ ساله و کمتر، ۶۶٫۸ درصد ۱۵ تا ۶۴ سال و ۶٫۲ درصد ۶۵ ساله و بیشتر بوده است. مقایسه کانون‌های توسعه با عشایر کوچنده کشور نشان دهنده کاهش افراد زیر ۱۴ سال و برابر شدن این سهم با جامعه روستایی کشور می‌باشد و این امر نشان دهنده کنترل زاد و ولد در جامعه اسکان یافته نسبت به جامعه عشایر کوچنده است. وضعیت کانون‌های هدایتی و خودجوش هم نشان دهنده بالاتر بودن سهم افراد ۱۴ سال و کمتر در کانون‌های هدایتی است.

جدول ۳- مقایسه نسبت سنی کانون‌های توسعه با عشایر کوچنده کشور،

جوامع شهری و روستایی

شرح	زیر ۱۴ سال	۱۴ تا ۶۴ ساله	۶۵ ساله و بیشتر
جامعه شهری	۲۳٫۸	۷۱٫۵	۴٫۸
جامعه روستایی	۲۸	۶۷٫۲۵	۴٫۷۵
عشایر کوچنده	۳۱	۶۴	۵
کانون‌های توسعه	۲۸	۶۴	۸

سواد:

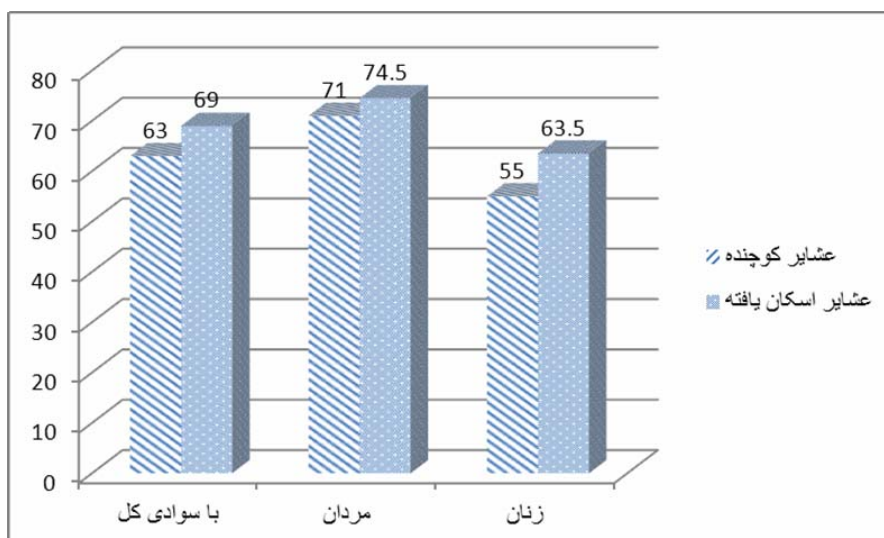
از جمله شاخص‌های مورد توجه در زندگی عشایر، میزان باسوادی است. ماهیت زندگی کوچ نشینی باعث پایین آمدن میزان دسترسی به خدمات آموزشی و در نتیجه پایین آمدن میزان باسوادی در بین عشایر در مقایسه با جوامع یکجانشین می‌شود.

حال نکته قابل تامل اینجاست که اسکان عشایر تا چه میزان توانسته شکاف بین میزان با سوادى بین عشایر و جوامع یکجانشین را کم کند و عملکرد اسکان در این زمینه چیست.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد از مجموع خانوارهای اسکان یافته در کانون‌های توسعه ۶۹ درصد با سواد بوده اند که این نسبت برای مردان ۷۴٫۵ درصد و برای زنان ۶۳٫۵ درصد بوده است.

مقایسه شاخص با سوادى عشایر اسکان یافته با عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷ نشان دهنده رشد میزان با سوادى بعد از اسکان عشایر است. نرخ با سوادى در بین عشایر کوچنده در سال ۱۳۸۷ بالغ بر ۶۳ درصد بوده که این نسبت برای مردان ۷۱ درصد و برای زنان ۵۵ درصد بوده است و این ارقام نشان دهنده افزایش قابل توجه با سوادى عشایر اسکان یافته می‌باشد و در این زمینه میزان با سوادى زنان در مقایسه با جوامع کوچنده قابل توجه است و مجموع این ارقام عملکرد مناسب اسکان عشایر و دولت را به خوبی نشان می‌دهد.

نمودار ۱- مقایسه میزان با سوادى عشایر اسکان یافته با عشایر کوچنده کشور



در این زمینه باید خاطر نشان کرد هر چند میزان با سوادى عشایر اسکان یافته نسبت به کوچندگان بهتر شده است اما همچنان با جامعه یکجانشین کشور اختلاف دارد و نیازمند برنامه ریزی برای از بین بردن شکاف موجود.

مقایسه وضعیت کانون‌های توسعه هدایتی و خودجوش نشان دهنده شرایط بهتر میزان با سوادى در کانون‌های خودجوش است. بر اساس برداشت‌های انجام شده میزان با سوادى کل در کانون‌های خودجوش ۷۱ درصد بوده است که این نسبت برای مردان ۶۶ درصد و برای مردان ۷۵ درصد بوده است. در کانون‌های هدایتی نیز میزان با سوادى کل برابر با ۶۷ درصد بوده که میزان با سوادى زنان ۶۴ درصد و میزان با سوادى مردان ۷۰ درصد است.

علاوه بر موارد فوق، وضعیت بهداشت و درمان، مشارکت‌ها، جایگاه زنان و ... در وضعیت اجتماعى مورد بررسی قرار گرفته است که جدول ادامه جهت مثبت و یامنفى شاخص‌ها را در دوره‌های قبل و بعد از اسکان و در کانون‌های هدایتی و خودجوش نشان می‌دهد. همانگونه که جدول ادامه نشان می‌دهد یافته‌ها حاکی از تاثیرات مناسب و مثبت اسکان در زندگی اجتماعى خانوارها می‌باشد. افزایش میزان با سوادى، کاهش مرگ و میر کودکان، کاهش مشقات کار زنان، پر رنگ شدن نقش‌های اجتماعى از جمله تاثیرات مستقیم و قابل توجه اسکان می‌باشد که بخش اعظم خانوارها به آن اذعان داشته‌اند.

جدول ۴- روند تاثیرات اجتماعى اسکان عشایر به تفکیک قبل و بعد از اسکان و کانون‌های

هدایتی و خودجوش

اثرات اجتماعى اسکان عشایر	قبل از اسکان	بعد از اسکان	هدایتی	خودجوش
میزان با سوادى زنان	-	+	-	+
میزان با سوادى مردان	-	+	-	+

-	+	+	-	شرکت در کلاس‌های آموزشی (خیاطی، گلدوزی، صنایع دستی و...)
+	-	+	-	میزان برخورداری کانون‌های توسعه از خدمات آموزشی ابتدایی و راهنمایی
-	+	+	-	میزان رضایت از کیفیت خدمات آموزشی
-	+	+	-	تمایل زنان به فراگیری سواد و آموزش
-	+	+	-	دسترسی به خدمات بهداشتی
-	+	+	-	رضایت از خدمات بهداشتی
-	+	+	-	رضایت از خدمات درمانی
-	+	+	-	مرگ و میر کودکان
+	-	+	-	مرگ زنان هنگام زایمان
-	+	+	-	وضعیت بهداشتی خانواده
+	-	+	-	اختصاص وقت برای مسافرت
+	-	+	-	اختصاص وقت برای تفریح و سرگرمی
-	+	-	+	میزان مشارکت مالی در حل مسائل
-	+	-	+	قبول ضمانت مالی یکدیگر
+	-	+	-	میزان مشارکت فکری در حل مسائل
-	+	-	+	میزان مشارکت مردم در مراسم مختلف

+	-	+	-	استقلال مالی زنان
-	+	+	-	قدرت زنان در خانه
-	+	+	-	مشقت و سختی زندگی زنان
+	-	+	-	مشارکت سیاسی زنان
-	+	+	-	احساس خوشبختی در زنان
-	+	+	-	اشتغال کودکان
-	+	+	-	سهام زنان در تصمیم گیری‌های مربوط به امور خانه و خانواده
+	-	+	-	گرایش و تمایل زنان به کارهای درآمدزا
+	-	+	-	مشارکت زنان در امور عمرانی

تأثیرات اقتصادی

شاغلین بخش‌های مختلف اقتصادی

بر اساس یافته‌های تحقیق، قبل از اسکان ۸۷ درصد اشتغال خانوارهای عشایری در زیر بخش دامداری، ۷ درصد زراعت و باغداری، ۴ درصد صنایع دستی و در نهایت ۲ درصد هم خدمات بوده است.

بررسی وضعیت بعد از اسکان نشان می‌دهد سهم زراعت و باغداری افزایش یافته و سهم قابل توجهی در اشتغال خانوارهای اسکان یافته قرار گرفته است و سهم آن به ۴۱،۱ درصد رسیده است و بر عکس سهم دامداری به ۴۳ درصد کاهش یافته است. سهم اشتغال عشایر از صنایع دستی هم به ۲ درصد کاهش یافته است. ۱۳،۹ درصد اشتغال ساکنان نیز از طریق مشاغل خدماتی تامین می‌شود.

مقایسه کانون‌های هدایتی و خودجوش نشان می‌دهد در کانون‌های هدایتی سهم اشتغال در زیر بخش زراعت و باغداری ۴۰,۸ درصد، در زیربخش دامداری ۴۰,۳ درصد در بخش صنایع دستی ۲,۵ درصد و در بخش خدمات ۱۲,۴ درصد است اما در کانون‌های خودجوش سهم دامداری ۵۶,۶ درصد، سهم زراعت و باغداری ۲۵,۶ درصد، سهم صنایع دستی ۱,۵ درصد و سهم بخش خدمات ۱۵,۳ درصد می‌باشد.

با توجه به اهمیت دامداری، زراعت، باغداری و ... در منابع درآمد و اشتغال خانوارهای عشایر در ادامه مهمترین ویژگی‌های آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

دامداری

بررسی‌ها نشان دهنده تغییر شیوه زندگی اقتصادی عشایر از دامداری در دوره قبل از اسکان به زراعت در بعد از اسکان است و این نتیجه ای است که آمارها به خوبی آن را نشان می‌دهد.

بررسی سرانه دام سبک نشان می‌دهد قبل از اسکان هر خانوار به طور متوسط ۸۷ راس گوسفند و بره و ۶۳ راس بز و بزغاله داشته است و بعد از اسکان این روند از کاهش شدیدی برخوردار بوده به گونه ای که تعداد دام گوسفند و بره خانوارها به ۴۵ و تعداد بز و بزغاله به ۲۶,۵ راس رسیده است و این موضوع به معنی فاصله گرفتن از محور اقتصادی گذشته عشایر که مبتنی بر نگهداری دام سبک بوده است.

نکته قابل توجه دیگر در این زمینه افزایش سرانه دام گاو و گوساله خانوارها می‌باشد. بر اساس آمارهای استخراج شده سرانه دام خانوارها قبل از اسکان برابر ۰,۱ راس بوده است که بعد از اسکان این سرانه به ۰,۹ راس رسیده است.

شایان ذکر است بر اساس سرشماری عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷، سرانه گوسفند و بره هر خانوار کوچنده ۶۳,۹ راس و سرانه بز و بزغاله ۳۹,۳ راس بوده است. و مقایسه این ارقام با عشایر اسکان یافته نیز نشان دهنده کاهش سرانه‌های دام بعد از اسکان است.

در زمینه احشام باربر روند کاهنده ای بعد از اسکان شاهد هستیم. در این زمینه گسترش وسایل حمل و نقل موتوری از یک سو و یکجانشینی عشایر و عدم کوچ آنها تاثیرگذار بوده است.

بررسی سرانه‌های دام در کانون‌های هدایتی و خودجوش نشان دهنده بالاتر بودن سرانه گوسفند و بره و دام سنگین در کانون‌های خودجوش و در واقع محوریت بیشتر دامداری در این کانون‌ها است. در واقع واگذاری اراضی زراعی و باغی بیشتر در کانون‌های هدایتی تاثیر مستقیمی در این زمینه داشته است.

زراعت

بررسی وضعیت سرانه‌های اراضی زراعی عشایر کوچنده کشور در آخرین سرشماری سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد هر خانوار به طور متوسط ۲ هکتار اراضی داشته است که بیش از ۷۰ درصد این اراضی دیم بوده است.

بررسی وضعیت اراضی خانوارهای پاسخگو نیز نشان می‌دهد هر خانوار قبل از اسکان حدود ۱,۱ هکتار اراضی زراعی داشته است که ۰,۷۶ هکتار آن دیم ۰,۳۴ هکتار آبی بوده است. بعد از اسکان نیز سرانه اراضی آبی به ۳,۱ هکتار، سرانه اراضی دیم به ۱,۲ هکتار و سرانه اراضی آیش به ۰,۵۳ هکتار رسیده است. با توجه به این ارقام اسکان باعث افزایش سرانه اراضی و به ویژه اراضی زراعی آبی شده است که همین امر محور درآمد عشایر را تحت تاثیر قرار داده و زیر بخش زراعت نقش پر رنگی در زندگی عشایر اسکان یافته پیدا کرده است.

مقایسه وضعیت کانون‌های هدایتی و خودجوش نشان دهنده شرایط مناسب تر کانون‌های هدایتی از نظر سرانه اراضی می‌باشد.

بر اساس برداشت‌های میدانی سرانه کل اراضی کانون‌های هدایتی بالغ بر ۵,۴ هکتار است که سرانه اراضی آبی ۳,۵ هکتار و سرانه اراضی دیم ۱,۲ هکتار و سرانه اراضی آیش ۰,۷ هکتار است و این در حالی است که در کانون‌های خودجوش سرانه کل اراضی ۳

هکتار که سرانه اراضی آبی ۱,۹ هکتار، سرانه اراضی دیم ۱ هکتار و سرانه اراضی آیش ۰,۲ هکتار است.

در این زمینه واگذاری اراضی زراعی از طرف دولت به خانوارهای اسکان یافته تاثیر قابل توجهی داشته است و با توجه به این شرایط، اقتصاد خانوارهای کانون‌های هدایتی بیش از کانون‌های خودجوش به زراعت وابسته است و برعکس با توجه در سرانه‌های دام کانون‌های توسعه، اقتصاد کانون‌های خودجوش وابستگی بیشتری به دامداری دارد. مقایسه سرانه اراضی زراعی خانوارهای اسکان یافته با جامعه روستایی کشور نیز نشان می‌دهد هر چند سرانه اراضی زراعی در جامعه روستایی کشور بالاتر است اما سرانه اراضی آبی در کانون‌های اسکان مناسب تر از جامعه روستایی کشور بوده است.

باغداری

بررسی آمارهای سرشماری عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد سرانه باغی هر خانوار عشایری بالغ بر ۰,۱۴ هکتار در قلمرو ییلاق و ۰,۱۵ هکتار در قلمرو قشلاق است و نظر سنجی انجام شده از خانوارهای نمونه هم نشان می‌دهد هر خانوار به طور متوسط ۰,۱۲ هکتار زمین قبل از اسکان داشته است و سرانه‌های باغی بعد از اسکان حاکی از افزایش سرانه اراضی بعد از اسکان است. این ارقام هر چند نسبت به دوران کوچ و عشایر کوچنده فعلی عشایر رشد یافته است، اما همچنان نقش پر رنگی در زندگی عشایر ندارد و همچنان به عنوان شغل جنبی در کنار زراعت و دامداری مطرح می‌باشد. و این در حالی است که بسیاری از کانون‌های توسعه کشور به ویژه کانون‌هایی که در مناطق ییلاقی و کوهستانی استقرار دارند ظرفیت مناسبی برای توسعه باغداری دارند و برنامه ریزی برای گسترش باغات تا حد قابل توجهی زمینه‌های افزایش درآمد خانوارها را فراهم می‌آورد.

مقایسه وضعیت کانون‌های هدایتی و خودجوش در این زمینه نشان دهنده بهتر بودن سرانه اراضی باغی در کانون‌های هدایتی است. بر اساس برداشت‌های انجام شده سرانه اراضی باغی کانون‌های هدایتی بالغ بر ۰,۵۲ هکتار و سرانه اراضی باغی کانون‌های

خودجوش بالغ بر ۰,۰۷ هکتار است. در این زمینه باید خاطر نشان کرد واگذاری اراضی باغی به خانوارها در کانون‌های هدایتی بیشترین تاثیر را داشته است.

صنایع دستی

آمارها نشان می‌دهد در ۷۱,۷ درصد کانون‌ها صنایع دستی تولید می‌شود، اما این رقم بدان معنی نیست که تمام خانوارها به این امر مشغول باشند. نظر سنجی‌ها نشان می‌دهد در بیش از ۷۰ درصد کانون‌ها صنایع دستی تولید می‌شود اما سهم خانوارهای تولید کننده این صنایع در کانون‌ها کمتر از ۲۰ درصد است و این در حالی است که پاسخگویان اذعان نموده اند قبل از اسکان بیش از ۷۰ درصد خانوارها مبادرت به تولید صنایع دستی می‌نموده اند.

این ارقام نشان می‌دهد هر چند سهم خانوارهای تولید کننده صنایع دستی به شدت کاهش یافته است، اما همچنان بخش قابل توجهی از کانون‌ها زمینه تولید صنایع دستی را دارند و خانوارها کماکان علاقمند به تولید این صنایع می‌باشند. با توجه به این ظرفیت، برنامه ریزی برای ارائه تسهیلات، آموزش‌های مناسب و به ویژه بازاریابی و فروش این محصولات با رویکرد صادرات می‌تواند افزایش درآمد و ایجاد اشتغال مولد به ویژه برای زنان را به خوبی فراهم آورد.

مقایسه کانون‌های هدایتی و خودجوش نشان دهنده مناسب تر بودن وضعیت کانون‌های هدایتی در این زمینه است. بر اساس استعلام‌های به عمل آمده و برداشت‌های میدانی از مجموع کانون‌های هدایتی در ۷۳ درصد آنها به طور محدود این صنایع تولید می‌شود و این در حالی است که در کانون‌های خودجوش این رقم به ۷۱ درصد می‌رسد.

وضعیت خدمات

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد قبل از اسکان محور اقتصاد خانوارها بر پایه دامداری بوده است و مشاغلی همچون زراعت، باغداری و صنایع دستی به صورت جنبی مطرح بوده است. در کنار این موارد بخش خدمات نیز به صورت کاملاً کم رنگ مطرح بوده

است. بعد از اسکان تغییرات بنیادینی در ساختار زندگی عشایر شکل گرفته است و در نتیجه وضعیت بخش‌های اقتصادی نیز دستخوش تغییر شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد از مجموع افراد شاغل خانوارها حدود ۲ درصد قبل از اسکان به مشاغل خدماتی مشغول بوده‌اند و این رقم برای بعد از اسکان به حدود ۱۳ درصد رسیده است. احداث شهرک‌های کانون‌ها و شکل‌گیری مغازه‌های خرده‌فروشی، گسترش حمل و نقل و مشاغل رانندگی، مشاغل کارگری، در این زمینه بیشترین تاثیر را داشته است. همچنین شکل‌گیری خدمات بهداشتی، درمانی، آموزشی و ... مشاغل کارمندی را در کانون‌های توسعه رواج بیشتری نسبت به قبل از اسکان داده است و همه این موارد باعث گسترش بخش خدمات بعد از اسکان شده است.

مقایسه کانون‌های هدایتی و خودجوش در این زمینه نشان دهنده شرایط نزدیک هر دو نوع کانون است هر چند به صورت محدود سهم خدمات در کانون‌های خودجوش بیشتر است و به نظر می‌رسد مهمترین دلایل این امر واگذاری اراضی زراعی و باغی به بیشتر خانوارها در کانون‌های هدایتی از یک سو و سرانه پایین تر اراضی زراعی در کانون‌های خودجوش است که مشاغل دیگر را در این کانون‌ها دامن زده است. همچنین در این زمینه باید خاطر نشان کرد با توجه به اینکه برخی از کانون‌های خودجوش آبادی‌های بزرگی هستند که به خدمات مختلف تجهیز شده‌اند، وضعیت خدمات آنها مناسب تر ارزیابی شده است.

علاوه بر موارد فوق در زمینه اقتصادی شاخص‌های متعدد دیگری همچون بهره‌وری، مکانیزاسیون، عرضه محصولات به بازار و ... مورد توجه قرار گرفته است که جدول ادامه جهت مثبت و یامنفی شاخص‌ها قبل و بعد از اسکان و در کانون‌های هدایتی و خودجوش را نشان می‌دهد.

جدول ۵- شاخص‌های مختلف اقتصادی مورد بررسی به تفکیک قبل و بعد از اسکان

و کانون‌های هدایتی و خودجوش

اثرات اقتصادی اسکان عشایر	قبل از اسکان	بعد از اسکان	هدایتی	خودجوش
شیوه مبادله محصولات باغی	-	+	+	-
استفاده از آبیاری تحت فشار در باغات	-	+	+	-
مصرف سموم و دفع آفات	-	+	+	-
تولید صنایع دستی	+	-	+	-
برگزاری دوره‌های آموزش و ترویج صنایع دستی	-	+	+	-
هدف از تولید صنایع دستی	-	+	+	-
سهم بخش خدمات	-	+	-	+
اشتغال و بیکاری	+	-	+	-
رضایت از هزینه‌های خوراک	+	-	+	-
رضایت از هزینه‌های پوشاک	+	-	-	+
رضایت از هزینه‌های مسافرت	+	-	+	-
رضایت از هزینه‌های تحصیل	+	-	+	-
رضایت از هزینه‌های درمان	+	-	*	*
رضایت از هزینه‌های دخانی	+	-	-	+
رضایت از هزینه‌های بهداشت	+	-	+	-

-	+	-	+	رضایت از هزینه‌های تفریح
+	-	-	+	رضایت از هزینه‌های رفت و آمد
-	+	-	+	رضایت از هزینه‌های آب
+	-	-	+	رضایت از هزینه‌های برق
-	+	-	+	رضایت از هزینه‌های سوخت
-	+	+	-	آبیاری تحت فشار زراعی
-	+	+	-	آبیاری قطره ای
+	-	-	+	رضایتمندی از درآمد دامداری
-	+	+	-	رضایتمندی از درآمد زراعی
-	+	-	+	رضایتمندی از درآمد صنایع دستی
-	+	+	-	رضایتمندی از درآمد باغداری
+	-	+	-	رضایتمندی از سایر منابع درآمد

وضعیت خدمات زیربنایی و تاسیسات و تجهیزات

برای روشن شدن وضعیت کالبدی و فیزیکی اسکان شاخص‌های مختلفی از جمله دسترسی به راه، برخورداری از برق، آب لوله کشی، وضعیت ارتباطات و حمل و نقل، برخورداری از کاربری‌های فرهنگی، هنری، ورزشی، وضعیت مسکن و... مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج نشان می‌دهد اسکان اثرات قابل توجه و مناسبی در زمینه برخورداری کانون‌ها از خدمات زیر بنایی به ویژه راه، برق، آب شرب، خدمات حمل و نقل و مسکن داشته است.

در ارتباط با وضعیت مسکن مواردی همچون کیفیت بنا، عمر بنا، استفاده از تسهیلات، تکمیل یا نیمه کاره بودن بنا، زیربنا و ... مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت رضایتمندی از کیفیت مسکن مورد توجه قرار گرفت که نتایج نشان دهنده اثرات مثبت اسکان در این زمینه بوده است. اما نکته قابل توجه در این زمینه تکمیل نبودن برخی از واحدهای مسکونی است که باعث پایین آمدن انگیزه‌های اسکان می‌شود. با توجه به این مبحث برنامه ریزی برای تکمیل واحدهای مسکونی به ویژه از طریق دادن تسهیلات مناسب می‌تواند منجر به ثبات بیشتر اسکان گردد.

از جمله ضعف‌های کالبدی و فیزیکی ضعف شدید خدمات ورزشی، فرهنگی و مراکز گذران اوقات فراغت در کانون‌های توسعه است. همچنین عدم دفع بهداشتی زباله و فاضلاب معضل بزرگ بیشتر کانون‌های توسعه می‌باشد. بر نامه ریزی در این زمینه می‌تواند منجر به افزایش کیفیت زندگی در کانون‌های توسعه گردد.

جدول ادامه جهت مثبت و یا منفی شاخص‌های کالبدی و زیر بنایی را به تفکیک قبل و بعد از اسکان و کانون‌های هدایتی و خودجوش نشان می‌دهد.

جدول ۶- شاخص‌های مختلف کالبدی و زیر بنایی مورد بررسی به تفکیک قبل و بعد از

اسکان و کانون‌های هدایتی و خودجوش

اثرات کالبدی و فیزیکی اسکان عشایر	قبل از اسکان	بعد از اسکان	هدایتی	خودجوش
وجود آشپزخانه در مسکن	*	*	+	-
وجود حمام در مسکن	*	*	+	-
وجود اتاق خواب در مسکن	*	*	+	-
وجود دستشویی بهداشتی در مسکن	*	*	+	-
وجود برق در مسکن	*	*	-	+

+	-	*	*	وجود آب لوله کشی در مسکن
+	-	*	*	وجود تلفن در مسکن
-	+	*	*	وجود گاز لوله کشی در مسکن
-	+	*	*	تسهیلات ساخت مسکونی
+	-	*	*	تکمیل بودن ساختمان مسکونی
+	-	*	*	مساحت زیربنای مسکن
-	+	*	*	میزان رضایت از نقشه مسکونی ارائه شده از طرف دولت
-	+	+	-	رضایت از کیفیت مسکن
+	-	+	-	رضایت از دسترسی به وسایل حمل و نقل
+	-	+	-	رضایت از خدمات و امکانات زیر بنایی (راه دسترسی)
+	-	+	-	رضایت از خدمات و امکانات زیربنایی (برق)
+	-	+	-	رضایت از خدمات و امکانات زیربنایی (آب شرب)
-	+	+	-	رضایت از خدمات و امکانات مذهبی
-	+	+	-	رضایت از خدمات و امکانات ورزشی، هنری و فرهنگی
-	+	*	*	رضایت از مکان کانون
-	+	+	-	رضایتمندی از امکانات پستی
-	+	+	-	رضایتمندی از امکانات مخابرات
-	+	*	*	رضایتمندی از کیفیت معابر
+	-	+	-	رضایتمندی از حمل و نقل عمومی

تأثیرات محیطی:

برای شناخت تأثیرات محیطی عشایر قبل و بعد از اسکان شاخص‌های مختلفی از جمله از بین رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری، استفاده از سوخت فسیلی، بیماری‌های ناشی از آبهای آلوده، دفع زباله، فاضلاب و فضولات دامی، تغییر کاربری اراضی و ... مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و نتایج نشان می‌دهد اسکان عشایر در برخی از موارد نتایج مناسبی داشته و در برخی موارد نیز نتایج بدتر شده است. از جمله پیامدهای مثبت طبیعی اسکان عشایر می‌توان به جلوگیری از بوته‌کشی و شکستن درختان برای سوخت اشاره کرد که عمدتاً به خاطر دسترسی مناسب به سوختهای فسیلی است و کاهش بیماریهای ناشی از آبهای آلوده اشاره کرد. پیامدهای منفی اسکان نیز شامل چرای مفرط مراتع کانون، کاهش سطح آبهای زیر زمینی و ... می‌باشد.

البته در زمینه تأثیرات محیطی نباید مواردی که خارج از حوزه اختیار عشایر است را فراموش کرد. از جمله این موارد خشکسالی‌های اخیر است که باعث منفی شدن شاخص‌های مختلف محیطی از جمله تخریب پوشش گیاهی، تخریب بافت خاک، کاهش سطح آبهای زیر زمینی و ... بعد از اسکان گردد.

همچنین فروپاشی نظام ایلی و به هم خوردن تقویم تنظیم کوچ، گسترش وسایل حمل و نقل موتوری و ... نیز از جمله مواردی است که در صورت اسکان نیافتن عشایر هم تأثیرات منفی خود را به جا می‌گذاشتند.

با توجه به مجموع این شاخص‌ها، جداول ادامه وضعیت قبل و بعد از اسکان و وضعیت کانون‌های خودجوش و هدایتی را در ارتباط با وضعیت زیست محیطی و طبیعی به خوبی نشان می‌دهد.

جدول ۷- شاخص‌های مختلف محیطی مورد بررسی به تفکیک قبل و بعد از اسکان و

کانون‌های هدایتی و خودجوش

اثرات محیطی اسکان عشایر	قبل از اسکان	بعد از اسکان	هدایتی	خودجوش
از بین رفتن گونه‌های گیاهی	+	-	+	-
از بین رفتن گونه‌های جانوری	+	-	-	+
استفاده از سوخت (نفت و گازوئیل)	-	+	+	-
شکستن درختان و خشک کردن برای سوخت	-	+	+	-
وجود و گسترش بیماری‌های خاص که ناشی از آب آشامیدنی	-	+	-	+
همکاری مردم برای دفع زباله ها	*	*	+	-
رها کردن فضولات حیوانی در کوچه‌ها و معابر کانون	*	*	+	-
رها شدن فاضلاب‌های سبک خانگی در معابر کانون	*	*	+	-
اسراف آب آشامیدنی	+	-	+	-
اسراف آب کشاورزی	+	-	-	+
کاهش سطح آب‌های زیرزمینی	+	-	-	+
چرای بیش از حد مراتع	+	-	+	-
مدیریت مناسب چرا	+	-	+	-
تغییرات ایجاد شده در مورفولوژی و کاربری اراضی	*	*	+	-
بررسی اثرات اجرای طرح اسکان در منطقه	*	*	+	-

بررسی وضعیت اسکان و کوچ

از مهمترین موارد مرتبط با اسکان عشایر، شیوه زندگی قبل از اسکان، نحوه اسکان، انگیزه خانوارها از اسکان و... می باشد که در این زمینه نتایج زیر مورد توجه است.

از جمله اهداف سیاست اسکان عشایر، اسکان خانوارهایی بوده است که کاملاً کوچنده بوده اند. بررسی آمارها نشان می دهد ۶۱,۴ درصد خانوارها قبلاً کوچنده مطلق بوده اند، ۱۳,۴ از پاسخ گویان درهمین محل (آبادی) زندگی می کردند و تمام اعضای خانوار و دام همیشه اینجا ساکن بوده اند، حدود ۲۱,۳ درصد اذعان داشته اند فقط دام های خود را جابجا می کرده اند و در واقع رمه گردان بوده اند، ۳,۹ درصد نیز سایر گزینه ها را انتخاب کرده اند .

این ارقام نشان دهنده عملکرد مثبت سازمان امور عشایر کشور در اسکان عشایر کاملاً کوچنده بوده و در زمینه شناسایی خانوارهای واجد شرایط اسکان مناسب عمل کرده است.

بررسی وضعیت کانون های خودجوش و هدایتی نشان دهنده شرایط مناسب تر کانون های هدایتی در اسکان خانوارهای واجد شرایط اسکان است. بر اساس پاسخ ها، از مجموع خانوارهای کانون های هدایتی ۷۱,۶ درصد کوچنده مطلق و ۲۲,۱ درصد رمه گردان بوده اند و این در حالی است که در کانون های خودجوش این ارقام ۴۶,۹ درصد کوچنده مطلق و ۱۹,۸ درصد رمه گردان بوده است.

اولویت بندی انگیزه های اسکان

بررسی مهمترین انگیزه های تاثیر گذار در پذیرش اسکان از سوی عشایر بیانگر آن است که مجموعه ای از عوامل دست به دست هم داده اند تا عشایر اسکان را بپذیرند. اما برخی از عوامل تاثیر گذارتر بوده اند بطوریکه محاسبه میانگین های مرتبط با عوامل ایجاد کننده انگیزه بیانگر آن است که رهایی از مشقات کوچ با ۳,۳ در رتبه ۱ قرار دارد و در رتبه های بعدی واگذاری اراضی زراعی آبی با میانگین ۳,۱، دسترسی به امکانات

رفاهی بهتر ۲,۸ و احداث کانون در عرصه مرتع عرفی عشایر ۲,۴ قرار دارد. و در پایینترین میزان اسکان بستگان و دیگران قرار دارد.

مقایسه وضعیت کانون‌های هدایتی و خودجوش در این زمینه نشان می‌دهد در کانون‌های هدایتی واگذاری اراضی زراعی و آبی، رهایی از مشقات کوچ، دسترسی به امکانات رفاهی بهتر و ایجاد کانون در محدوده اراضی عرفی عشایر مهمترین انگیزه‌های اسکان بوده اند، اما در کانون‌های خودجوش رهایی از مشقات کوچ و دسترسی به امکانات رفاهی مهمترین انگیزه‌های اسکان بوده است.

شرایط فعلی زندگی عشایر اسکان یافته

بررسی این موضوع که عشایر اسکان یافته هنوز کوچ می‌کنند یا کاملاً اسکان یافته‌اند، نشان می‌دهد اسکان از شرایط نسبتاً پایداری برخوردار است و بیش از ۷۵ درصد خانوارهایی که اسکان یافته اند کوچ نمی‌کنند.

مقایسه کانون‌های هدایتی و خودجوش در این زمینه نشان دهنده شرایط مناسب تر کانون‌های خود جوش است و مهمترین دلیل این امر کوتاه بودن مدت زمانی که از اسکان خانوارهای کانون‌های هدایتی می‌گذرد و بعضاً عدم واگذاری قطعی اراضی زراعی است و برنامه ریزی در این زمینه از اهمیت زیادی برخوردار است.

بر اساس برداشت‌های انجام شده در کانون‌های هدایتی ۶۹ درصد خانوارها به اسکان دائم رسیده‌اند و این در حالی است که در کانون‌های خودجوش این رقم به ۸۱ درصد می‌رسد.

البته باید در این زمینه خاطر نشان کرد با توجه به خشکسالی‌های اخیر بسیاری از خانوارها از وضعیت موجود اظهار نگرانی کرده اند و به نظر می‌رسد اگر در این زمینه برنامه ای وجود نداشته باشد پایداری اسکان با خطر مواجه شود و برخی خانوارها به سمت کوچ و یا مهاجرت به سایر مراکز روی آورند.

لازم به ذکر است از خانوارهایی که به طور کامل ساکن نشده و هنوز هم کوچ می‌کنند، دلایلی همچون تکمیل نشدن ساختمان مسکونی، ناکافی بودن آب و زمین

زرعی، استفاده از مراتع قطب مخالف اسکان و ... را به عنوان مهمترین دلایل کوچ خود عنوان کرده اند.

وضعیت نهادی و مدیریتی

از مجموع کانون‌های توسعه ۵۵ درصد توسط شورای اسلامی، ۲۸ درصد دارای شورا و دهیار، ۱۳ درصد توسط ریش سفیدان و ۴ درصد توسط نمایندگان عشایر مدیریت می‌شود.

در کانون‌های هدایتی این سهم به ۴۶ درصد دارای شورا، ۲۲ درصد دارای شورا و دهیار و در کانون‌های خودجوش ۶۳ درصد دارای شورا، ۳۲ درصد دارای شورا و دهیار تغییر یافته است.

با توجه به مجموع موارد مرتبط با رضایتمندی از عملکرد مدیران محلی، رضایتمندی از عملکرد دولت و ... می‌توان چنین استنباط نمود که رضایتمندی خانوارها از مدیریت کانون‌های توسعه از شرایط مناسبی برخوردار است و به ویژه برنامه ریزی و پیگیری برای انتخاب شورا و دهیار برای تمامی کانون‌های توسعه تا حد قابل توجهی می‌تواند منجر به پیگیری امور کانون‌ها در این سکونت گاهها شود.

نکته قابل توجه در این زمینه بالارفتن میزان رضایت مردم از سازمان امور عشایر کشور است که میانگین رضایت قبل از اسکان ۲,۲ بوده است و بعد از اسکان به ۳,۳ رسیده است و این میزان رضایتمندی عملکرد مناسب سازمان امور عشایر را در کانون‌های عشایری کشور نشان می‌دهد.

مقایسه کانون‌های هدایتی و خودجوش در این زمینه حاکی از بالاتر بودن سطح رضایتمندی در این کانون‌ها در مقایسه با کانون‌های خودجوش است (میانگین کانون‌های هدایتی ۳,۷ و میانگین کانون‌های خودجوش ۲,۹) و برنامه ریزی گسترده تر دولت در این کانون‌ها در زمینه‌های اقتصادی، کالبدی، زیربنایی و ... تاثیر مستقیمی بر افزایش میزان رضایت آنها داشته است.

جمع بندی و ارائه پیشنهادات

با توجه به ابعاد توسعه پایدار، کانون‌های توسعه مورد مطالعه نیز در ابعاد محیطی، اقتصادی، اجتماعی و... مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در هر کدام از این ابعاد شاخص‌های مختلفی مشخص و وضعیت تک تک آنها به تفصیل مشخص و نتایج آن در فصول مختلف مشخص شد.

در مجموع می‌توان با توجه به مجموع مطالعات انجام شده اسکان تاثیرات قابل توجه و مناسبی در بسیاری از شاخص‌های توسعه داشته است.

در بعد طبیعی و محیطی آنچه بیش از همه اسکان عشایر را تحت تاثیر قرار داده است، خشکسالی و تاثیر مخرب آن بر پوشش گیاهی، حیات جانوری، کیفیت خاک، منابع آب و ... بوده است که اقتصاد کانون‌های مورد مطالعه را با تهدید جدی روبرو کرده است.

با توجه به ارتباط تنگاتنگ کانون‌های توسعه با محیط پیرامون و با توجه به محوریت کشاورزی در اقتصاد خانوارها، برنامه ریزی در این زمینه اهمیت بسیار زیادی در پایداری و موفقیت اسکان خواهد داشت.

در بعد اقتصادی تغییر معیشت خانوارها از دامداری به سمت زراعت شاخص ترین تغییر بعد از اسکان است و نقش دامداری بعد از اسکان در حال کم رنگ شدن می‌باشد. هر چند هنوز بخش قابل توجهی از درآمد خانوارها از دامداری بدست می‌آید اما پیش بینی می‌شود با گذشت زمان زراعت نقش کاملاً جایگزین دامداری را داشته باشد.

در این فرآیند، و تغییر شیوه معیشت آموزش و ترویج فنون جدید اقتصادی نقش مهمی در بالا بردن درآمد خانوارها دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد هر چند در بسیاری از کانون‌های توسعه این دوره‌ها برگزار شده است. اما برگزاری این دوره‌ها محدود و در دوره‌های زمانی کوتاه بوده و به ویژه میزان مشارکت خانوارها در این دوره‌ها چندان چشمگیر نبوده است. بنابراین برنامه ریزی در این زمینه و داشتن یک برنامه منظم می‌تواند تا حد قابل توجهی خانوارهای اسکان یافته را با شیوه‌های جدید زندگی آشنا کند.

در بعد اجتماعی، اسکان تاثیرات قابل توجه و مثبتی داشته است. افزایش میزان باسوادگی، کاهش مرگ و میر کودکان، کاهش ابعاد خانوار، دسترسی به خدمات اجتماعی، افزایش پوشش‌های بیمه و... نتایج قابل توجه اسکان است و عملکرد دولت در این زمینه کاملاً مناسب ارزیابی می‌شود.

پایین بودن نزاع‌ها و اختلافات اجتماعی در کانون‌ها، اختلاف پایین خانوارها بر سر واگذاری اراضی و تقسیم منابع آب حاکی از عملکرد کاملاً مناسب دولت در واگذاری امکانات به خانوارهای عشایر بعد از اسکان است.

در بعد کالبدی و فیزیکی رشد قابل توجهی در دسترسی به خدمات مختلف از جمله راه، آب شرب، برق، مسکن و ... مشاهده می‌شود و اسکان در این زمینه تاثیر مناسبی داشته است.

البته در این زمینه از جمله خلاءهای اساسی فقدان برنامه مناسب جهت دفع زباله، فاضلاب و پاکیزگی محیط کانون‌ها است و در اکثر قریب به اتفاق کانون‌ها برنامه ریزی درستی در این زمینه وجود نداشته است.

همچنین فقدان و یا ضعف گسترده خدمات ورزشی، فرهنگی و مراکز گذران اوقات فراغت در کانون‌های توسعه در اکثر کانون‌های توسعه وجود دارد و برنامه ریزی برای تجهیز کانون‌های توسعه به این خدمات، امید به زندگی برای خانوارها و به ویژه جوانان کانون‌ها را بالا خواهد برد.

در زمینه مدیریتی هر چند رضایتمندی مردم از دستگاه‌های دولتی و به ویژه سازمان امور عشایر بالا است، اما نداشتن شورا و دهیار در بسیاری از کانون‌های توسعه خلاء اساسی است و برنامه ریزی برای مدیریت کانون‌ها توسط این نهادهای جدید اهمیت قابل توجهی دارد.

بررسی خانوارهای اسکان یافته حاکی از عملکرد مناسب دولت در شناسایی و اسکان خانوارهای واجد شرایط اسکان است.

همچنین بررسی وضعیت خانوارها حاکی از ثبات نسبتاً بالای اسکان است. در این زمینه برنامه ریزی برای پایداری اقتصاد کانون‌ها و به ویژه تامین آب کشاورزی و استفاده بهینه از منابع آب از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

با توجه به این مباحث، برای اینکه بتوان به ارائه راهکارهای مناسب برای کاهش مشکلات و استفاده بهینه از توانها و ظرفیت‌ها نمود، کلیه نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و... استخراج و پس از امتیاز دهی در قالب مدل SWOT توسط تیم کارشناسی، مهمترین راهبردها و سیاست‌های اجرایی به تفکیک ابعاد مذکور استخراج شده است.

الف) بعد اجتماعی

بر اساس ضرایب نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بعد اجتماعی توسط تیم کارشناسی، مجموع امتیاز نقاط قوت و ضعف ۳,۶۹ و مجموع امتیاز فرصت‌ها و تهدیدها ۳,۴ می‌باشد بنابراین راهبرد مورد نظر در زمینه اجتماعی راهبرد تهاجمی می‌باشد. با توجه به این راهبرد و مقایسه زوجی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بعد اجتماعی، مهمترین سیاست‌های اجرایی نیز به شرح جدول ادامه است.

جدول ۸- استخراج سیاست‌های اجرایی وضعیت اجتماعی

مولفه‌های داخلی و خارجی، تأثیر گذار بر توسعه کانون‌های اسکان عشایر	قویها	ضعیفها
<p>راهبرد تهاجمی (SO)</p> <p>برگزاری دوره‌های مختلف آموزش و ترویج شیوه‌های نوین زراعت، باغداری، دامپروری، صنایع دستی و... با استفاده از ظرفیت مشارکت پذیری عشایر</p> <p>تفویض زیرساخت‌های بهداشت و درمان، آموزش و... برای برخورداری کامل کانون‌های توسعه از این خدمات</p> <p>مشارکت همه جانبه عشایر در مدیریت و ساماندهی اسکان و ارتقاء منزات اجتماعی آنان</p>	<p>راهبرد یاریگری (WO)</p> <p>برنامه ریزی جهت کاهش اختلاف سواد مردمان و زنان در کانون‌های توسعه از طریق تجهیز کامل کانون‌های توسعه به مراکز آموزشی</p> <p>ایجاد ظرفیت‌های لازم برای ارائه تحصیل فرزندان عشایر در سطوح بالا و ایجاد زمینه لازم برای جذب و نگهداشت آنها در کانون‌های توسعه</p> <p>کاهش آسیب‌های اجتماعی و تفویض ساختار اجتماعی از طریق آموزش‌های لازم با مشارکت عشایر</p> <p>تفویض دسترسی کانون‌های توسعه به خدمات فرهنگی و ...</p>	<p>راهبرد تنوع بخشی (ST)</p> <p>تفویض خدمات زیر بنایی، رفاهی، آموزش، بهداشت و درمان و... در کانون‌های توسعه جهت جلوگیری از مهاجرت از کانون ها</p> <p>حفظ فرهنگ اصیل جامعه عشایر با توجه به انسجام بالای اجتماعی و مشارکت پذیری مردم از طریق آموزش و تبلیغات مناسب</p>
<p>راهبرد تهاجمی (SO)</p> <p>برگزاری دوره‌های مختلف آموزش و ترویج شیوه‌های نوین زراعت، باغداری، دامپروری، صنایع دستی و... با استفاده از ظرفیت مشارکت پذیری عشایر</p> <p>تفویض زیرساخت‌های بهداشت و درمان، آموزش و... برای برخورداری کامل کانون‌های توسعه از این خدمات</p> <p>مشارکت همه جانبه عشایر در مدیریت و ساماندهی اسکان و ارتقاء منزات اجتماعی آنان</p>	<p>راهبرد تنوع بخشی (ST)</p> <p>تفویض خدمات زیر بنایی، رفاهی، آموزش، بهداشت و درمان و... در کانون‌های توسعه جهت جلوگیری از مهاجرت از کانون ها</p> <p>حفظ فرهنگ اصیل جامعه عشایر با توجه به انسجام بالای اجتماعی و مشارکت پذیری مردم از طریق آموزش و تبلیغات مناسب</p>	<p>راهبرد تدافعی (WT)</p> <p>برنامه ریزی جهت ایجاد محیط‌های ایمن اجتماعی در کانون‌های توسعه به عنوان مراکز جمعیتی شخصی و ایجاد انگیزه برای ماندگاری افراد در کانون ها</p> <p>تفویض ساختار و نظام مناسبات اجتماعی، عشایر جهت جلوگیری از رسوخ روابط و مناسبات اجتماعی نابازگرا. جوامع شهری و روستایی در کانون‌های توسعه</p> <p>توجه به ایجاد اجتماعی و اقتصادی اسکان جهت استقرار کامل خانوارهای کوچنده و جلوگیری از مهاجرت آنها</p> <p>ایجاد زمینه لازم برای مشارکت نیروی انسانی فعال جهت توسعه نهادهای غیر دولتی و بالا رفتن انگیزه ماندگاری این افراد در کانون‌های توسعه</p>
<p>راهبرد تهاجمی (SO)</p> <p>برگزاری دوره‌های مختلف آموزش و ترویج شیوه‌های نوین زراعت، باغداری، دامپروری، صنایع دستی و... با استفاده از ظرفیت مشارکت پذیری عشایر</p> <p>تفویض زیرساخت‌های بهداشت و درمان، آموزش و... برای برخورداری کامل کانون‌های توسعه از این خدمات</p> <p>مشارکت همه جانبه عشایر در مدیریت و ساماندهی اسکان و ارتقاء منزات اجتماعی آنان</p>	<p>راهبرد یاریگری (WO)</p> <p>برنامه ریزی جهت کاهش اختلاف سواد مردمان و زنان در کانون‌های توسعه از طریق تجهیز کامل کانون‌های توسعه به مراکز آموزشی</p> <p>ایجاد ظرفیت‌های لازم برای ارائه تحصیل فرزندان عشایر در سطوح بالا و ایجاد زمینه لازم برای جذب و نگهداشت آنها در کانون‌های توسعه</p> <p>کاهش آسیب‌های اجتماعی و تفویض ساختار اجتماعی از طریق آموزش‌های لازم با مشارکت عشایر</p> <p>تفویض دسترسی کانون‌های توسعه به خدمات فرهنگی و ...</p>	<p>فرصت‌ها</p> <p>افزایش سطح دسترسی به امکانات زیربنایی و فرهنگی امکان افزایش دوره‌های آموزش و ترویج فراهم شدن زمینه تنگنقایی استعدادها و ارتقاء پایگاه جامعه عشایری امکان افزایش میزان بسوادی در سطوح بالا برای فرزندان عشایر</p>
<p>راهبرد تهاجمی (SO)</p> <p>برگزاری دوره‌های مختلف آموزش و ترویج شیوه‌های نوین زراعت، باغداری، دامپروری، صنایع دستی و... با استفاده از ظرفیت مشارکت پذیری عشایر</p> <p>تفویض زیرساخت‌های بهداشت و درمان، آموزش و... برای برخورداری کامل کانون‌های توسعه از این خدمات</p> <p>مشارکت همه جانبه عشایر در مدیریت و ساماندهی اسکان و ارتقاء منزات اجتماعی آنان</p>	<p>راهبرد یاریگری (WO)</p> <p>برنامه ریزی جهت کاهش اختلاف سواد مردمان و زنان در کانون‌های توسعه از طریق تجهیز کامل کانون‌های توسعه به مراکز آموزشی</p> <p>ایجاد ظرفیت‌های لازم برای ارائه تحصیل فرزندان عشایر در سطوح بالا و ایجاد زمینه لازم برای جذب و نگهداشت آنها در کانون‌های توسعه</p> <p>کاهش آسیب‌های اجتماعی و تفویض ساختار اجتماعی از طریق آموزش‌های لازم با مشارکت عشایر</p> <p>تفویض دسترسی کانون‌های توسعه به خدمات فرهنگی و ...</p>	<p>ضعیفها</p> <p>اختلاف معیار باسوادی بین مردمان و زنان در کانون‌های توسعه</p> <p>پایین بودن افراد با سطح بالای بسوادی (بالا تر از دبیرم)</p> <p>افزایش مسائل و آسیبهای اجتماعی بعد از اسکان</p> <p>پایین نسبی سطح دسترسی خانوارها به برخی امکانات ارتباطی و رسانه ای</p> <p>کاهش نسبی اعتماد اجتماعی بعد از اسکان</p> <p>عدم وجود نهادهای غیر دولتی در کانون‌های توسعه</p> <p>عدم استقرار کامل ۲۵ درصد خانوارهای مشمول اسکان</p> <p>تضعیف ساختار و نظام مناسبات اجتماعی سنتی</p>

ب) بعد اقتصادی

بر اساس ضرایب نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بعد اقتصادی توسط تیم کارشناسی، مجموع امتیاز نقاط قوت و ضعف ۳,۷۴ و مجموع امتیاز فرصت‌ها و تهدیدها ۳,۵۴ می‌باشد بنابراین راهبرد مورد نظر در زمینه اقتصادی راهبرد تهاجمی می‌باشد.

ج) بعد کالبدی و فیزیکی

بر اساس ضرایب نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بعد کالبدی و فیزیکی توسط تیم کارشناسی، مجموع امتیاز نقاط قوت و ضعف ۳,۳۵ و مجموع امتیاز فرصت‌ها و تهدیدها ۳,۸۴ می‌باشد بنابراین راهبرد مورد نظر در زمینه کالبدی و فیزیکی راهبرد تهاجمی می‌باشد.

د) بعد محیطی

بر اساس ضرایب نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بعد محیطی توسط تیم کارشناسی، مجموع امتیاز نقاط قوت و ضعف ۳,۹۳ و مجموع امتیاز فرصت‌ها و تهدیدها ۳,۵۸ می‌باشد بنابراین راهبرد مورد نظر در زمینه محیطی راهبرد تهاجمی می‌باشد.

ر) بعد مدیریتی و نهادی

بر اساس ضرایب نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بعد مدیریتی و نهادی توسط تیم کارشناسی، مجموع امتیاز نقاط قوت و ضعف ۳,۹ و مجموع امتیاز فرصت‌ها و تهدیدها ۳,۹۳ می‌باشد بنابراین راهبرد مورد نظر در زمینه مدیریتی و نهادی راهبرد تهاجمی می‌باشد.

منابع مورد استفاده:

- ۱- سازمان امورعشایر کشور، (۱۳۸۳)، آیین نامه ساماندهی عشایر.
- ۲- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، (۱۳۸۰)، برنامه سوم توسعه کشور.
- ۳- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، (۱۳۸۶)، برنامه چهارم توسعه کشور.
- ۴- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۶)، سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵.
- ۵- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۸)، سرشماری عشایر کوچنده ۱۳۸۷.
- ۶- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۰)، سالنامه آماری ۱۳۸۹.

